

چکیده

اگرچه چپ دست بودن با ناراحتی‌هایی همراه است و ممکن است در شخصیت کودک اثر سوء به جا گذارد، ولی با توجه به اختلالاتی که تغییر چپ دستی ایجاد می‌کند چنین به نظر می‌رسد که مجبور ساختن کودک به تغییر چپ دستی مقرون به صواب نیست. در مواردی که کودک اصرار زیادی در چپ دستی ندارد، پدر و مادر و سایر مربیان می‌توانند با تشویق و هدایت، او را به سوی راست دستی سوق دهند. ولی در مورد کودکی که شدیداً به حفظ چپ دستی خود اظهار تمایل می‌کند، نباید دخالتی کرد، زیرا به آسانی ممکن است تعادل روانی او آسیب ببیند. پس در این موضوع باید بسیار محتاط بود و مخصوصاً به هیچ وجه طفل را مجبور به راست دستی نکرد. یعنی باید گذاشت طفل با دست چپ غذا بخورد، نقاشی کند و بنویسد و در ضمن با ملایمت سعی کرد که به کار بردن دست راست مورد علاقه او واقع شود و این کار را مانند بازی تلقی کند و بداند که اگر این بازی را بکند، پاداشی دریافت خواهد داشت. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۴۲)

از طرف دیگر در کودکان راست دست نیز تخصص بیش از حد خشک تأسفانگیز است. زیرا تربیت دست چپ نیز تا حدودی در زندگی آدم بالغ عادی، نتایج گران بهایی دارد. گذشته از این، هرگاه بر اثر پیش‌آمدی شخصی از به کار انداختن دست راست محروم شد، تربیت حرکتی مجدد او از این راه آسان‌تر خواهد بود. (دبس، ترجمه‌کاردان، ۱۳۷۰، ص ۸۹)

فرزندم چپ دست است!

زهرا نعمت‌نژاد

کارشناس علوم تربیتی - خراسان جنوبی - شهرستان قاینات

مقدمه

تربیت دست که از دوره شیرخوارگی آغاز می‌شود، از اهمیت فراوانی برخوردار است. زیرا دست یا چنان که «فوسیون» گفته است «این خدای پنج شخصیت»، هم وسیله آفرینش است و هم وسیله دانش. وانگهی حس لامسه اطفال اطمینان بخش‌ترین حواس است، تا جایی که این حس بر اثر تماس با اشیا و گرفتن آن‌ها، اطلاعات و همی حواس دیگر را اصلاح می‌کند. (دبس، ۱۳۷۰، ترجمه‌کاردان، ص ۸۵)

آدمی بسیاری از ویژگی‌های عملی و فکری خود را مدیون این است که بر خلاف سایر پستانداران، از حدود یک سالگی، قامت خود را راست نگه داشته، روی دو پا راه می‌رود و آزاد بودن دست‌های انسان، به طرز حیرت‌انگیزی در رشد عقلی و



پیشرفت فنی وی مؤثر واقع شده است، به طوری که آدمی بخشی مهم از ترقیات علمی و فنی خود را مدیون ساختمان بدنی خاص خود است. تربیت دست‌ها که به کار گرفتن و ورزیدن آن‌ها از روز اول مورد علاقه نوزاد است، در سراسر زندگی اهمیت خود را حفظ می‌کند. در واقع دست اندام اصلی حس لامسه است که مطمئن‌ترین اطلاعات را در دسترس نوزاد می‌گذارد و در تصحیح اطلاعات مبهم رسیده از راه چشم نیز نقش بزرگی به عهده دارد. به علاوه دست‌کارگزار مغز است و مغز تصورات و ابداعات خود را از طریق دست‌ها جامعه عمل می‌پوشاند و آن‌گاه به تماشا و تحسین آن می‌پردازد. (شکوهی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۷)

اهمیت موضوع

یکی از مسائل دقیق مربوط به تربیت دست‌ها، چگونگی برخورد با کودکان چپ دست است. اهمیت فوق‌العاده تربیت دست‌ها و مشاهده این‌که اکثر افراد بیش‌تر با دست راست کار می‌کنند، سبب شده است که مشاهده چپ دستی کودکان، مریبان و به خصوص والدینشان را نگران سازد. این امر، هر چند به خودی خود نقیصه‌ای نیست، اما از آن جهت که بسیاری از ابزارهای مورد استفاده در زندگی روزمره با توجه به خصوصیات افراد راست دست ساخته شده، نظم و ترتیب امور، چیدن میز و صندلی و نصب تخته سیاه در کلاس درس، اغلب به اقتضای این قبیل خصوصیات مشترک صورت می‌گیرد، مزاحمت‌هایی ایجاد می‌کند؛ به طوری که آشکارا سازگاری با این شرایط برای افراد راست دست آسان‌تر است. با این همه بزرگ کردن موضوع عاقلانه نیست و نه تنها مسئله را حل نمی‌کند، بلکه به خودی خود مسئله‌ساز است. (شکوهی، ۱۳۶۹، ص ص ۱۴۸ - ۱۴۷)

مسئله تربیت کودک چپ دست یکی از مسائل دقیقی است که در ضمن تربیت دست‌ها پیش می‌آید. با توجه به این‌که فرزند نگارنده با این مشکل روبه‌روست، علاقه‌مند به مطالعه در این مورد گردید که در این جا نتایج این بررسی از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

شیوع و عمومیت راست دستی

از زمانی که تمدن به وجود آمده و انسان دستگاه‌ها و وسایلی برای تأمین مایحتاج خود اختراع کرده است، این طور احساس شده است که یکی از دست‌ها باید نقش اول را در انجام دادن

کارها به عهده بگیرد و دست دیگر آن را کمک کند. به عللی که بر ما روشن نیست، دست راست را در همان زمان‌ها تقدم داشته و نسل‌های بعد این تقدم را به عنوان یک رسم و سنت پذیرفته‌اند و در نتیجه در تمام دنیا شمار راست دست‌ها بیش‌تر است. می‌توان گفت که بیش از ۹۵٪ افراد بشر راست دست‌اند.

این‌که چه مقدار از افراد هر کشور راست دست‌اند، منوط به آن است که اجتماع چه طور درباره چپ دست‌ها و چپ دستی قضاوت می‌کند. در این اواخر بر عده چپ دست‌ها افزوده شده است. در بعضی از کشورها، از جمله چین، از چپ دستی جلوگیری می‌شود، چون چپ دستی را ترک سنت دیرین می‌دانند. به همین سبب، آن را تقیح می‌کنند و چنان‌چه کودکی عادت به چپ دستی کند، پدر و مادرش مورد سرزنش قرار می‌گیرند. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۳۹)

رشد و تکامل راست دستی یا چپ دستی

نوزاد انسان نه راست دست و نه چپ دست است، ولی در ماه‌های اول زندگی کم‌کم به یکی از دست‌ها تمایل بیش‌تری نشان می‌دهد. در شش ماهگی اکثر نوزادان یکی از دو دست را به طور مساوی به کار می‌برند. ولی به طور کلی در نخستین

کودک به علل بدنی یا به دلیل

انس گرفتن شدید به چپ دستی،

هنگام تغییر ممکن است سخت

مقاومت و پایداری کند و اگر ما

بخواییم این مقاومت را از بین

بریم به شخصیت وی ضربه

جبران ناپذیری وارد می‌کنیم و

این چنین کودکی ممکن است در

سراسر زندگی خود مبتلا به لکنت

زبان و سایر اختلالات باشد.

سال زندگی به طور قاطع نمی‌توان گفت که کودک راست دست است یا چپ دست. در طی دومین سال نیز کودکان گاهی دست اصلی خود را از یکی به دیگری تغییر می‌دهند، ولی این تغییر به اندازه سال اول تکرار نمی‌شود.

در طی سومین سال، این تغییر کم‌تر پیش می‌آید و رفته رفته روبه کاهش می‌رود تا آن که بعد از شش سالگی، تقریباً دیگر روی نمی‌دهد. تفوق و برتری دست، عموماً در کودکانی که از ابتدا دست راست را به کار ببرند زودتر به وجود می‌آید. (شعاری نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۴۰)

چند نظریه در مورد چپ دستی

۱- نظریه جنگی: طبق این نظریه چون بشر در جنگ‌ها مجبور بود از قلب خود محافظت کند، لذا شمشیر را با دست راست گرفته و با دست چپ سپر را نگه داشته و کم‌کم به همین دلیل دست راست قوی‌تر شده و استفاده از آن عمومیت پیدا کرده است. این نظریه به کلی از اعتبار ساقط است، زیرا اولاً قلب کاملاً در سمت چپ قرار نگرفته است. ثانیاً، ضربه به کبد هم به همان اندازه کشنده است. ثالثاً معلوم نیست چرا بعضی از افراد باز هم لجبازی کرده و چپ دست شده‌اند؟

چپ دستی و راست دستی جنبه

فطری نداشته، به عملکرد

نیمکره‌های مغز بستگی دارد، به

طوری که در فرد چپ دست

نیمکره راست مغز قوی‌تر و در

فرد راست دست نیمکره چپ

مغز قوی‌تر است. این نظریه

جدیدترین و در عین حال

عاقلاً نه‌ترین دلیل برای چپ

دستی و راست دستی است.

۲- نظریه گرانیکاهی: براساس این نظریه، گرانیکاه بدن انسان در طرف چپ بدن قرار دارد. بنابراین انسان روی پای چپش بهتر می‌ایستد و در نتیجه پای راست آزاد می‌ماند و فعالیت بیش‌تر پای راست موجب می‌شود طرف راست بدن از جمله دست راست قوی‌تر شود. این نظریه هم اعتبار ندارد، زیرا مبنای علمی ندارد و نیز معلوم نیست چرا گرانیکاه بعضی از افراد چپ دست در جای خود قرار ندارد؟

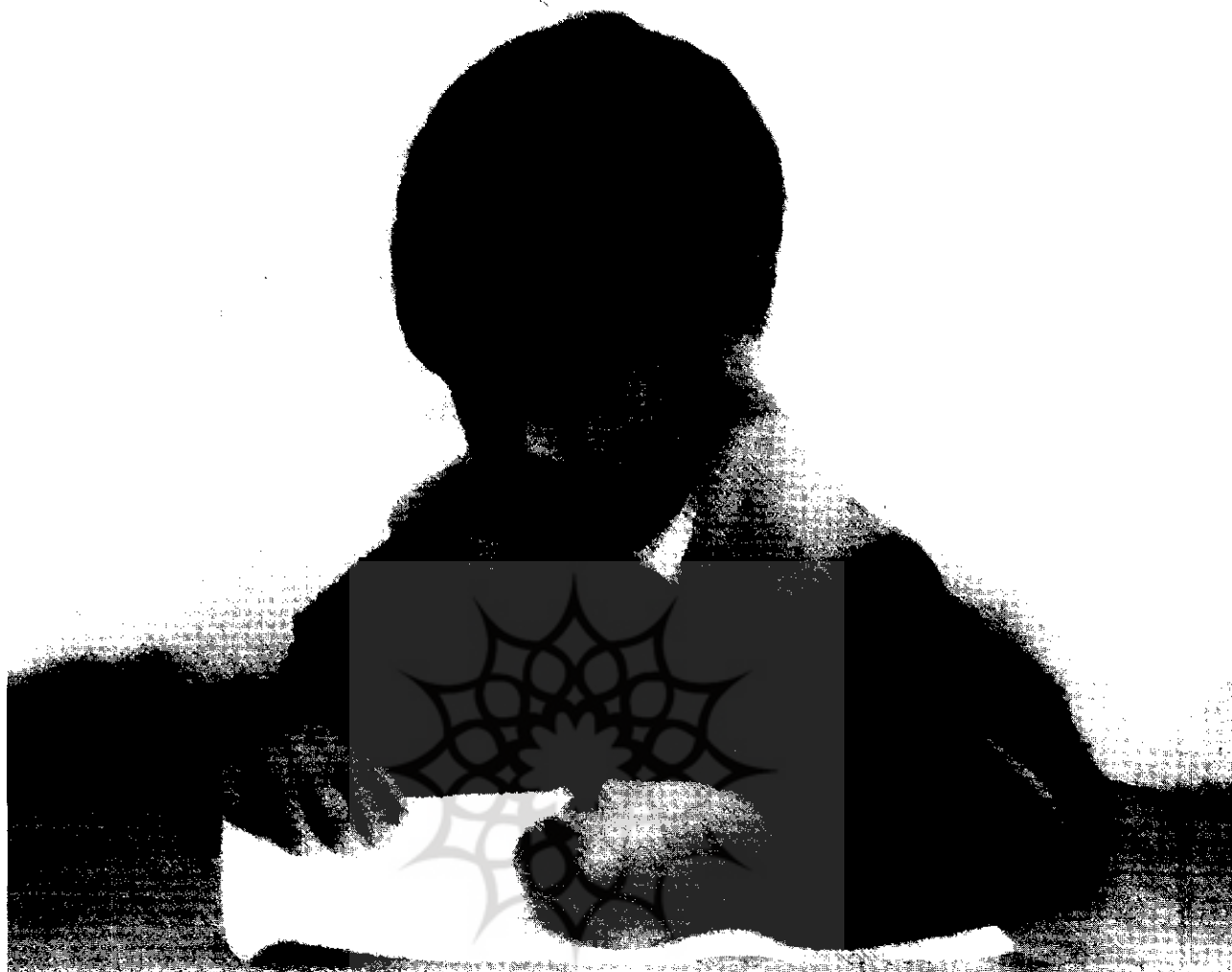
۳- نظریه چشم برتر: این نظریه مبنی بر این است که مرکز حس بینایی در مغز، در نیمکره‌ای قرار دارد که سرنوشت دست برتر را مشخص می‌کند. یعنی کسی که چشم راستش برتر است، راست دست می‌شود و برعکس. این نظریه هم مبنای علمی ندارد. زیرا اولاً کسانی هستند که چشم راستشان برتر است ولی چپ دست‌اند و برعکس میان نابینایان مادرزادی هم نسبت راست دستی و چپ دستی مانند بینایان است.

۴- نظریه تربیتی: بنابراین نظریه، دست چپ و راست در آغاز برای افراد هیچ فرقی ندارد و چون ما در جامعه راست دستان زندگی می‌کنیم، بر اثر تمرین و تربیت، راست دست می‌شویم و آن‌هایی هم که چپ دست شده‌اند به دلیل عدم مراقبت والدین و مربیانشان بوده است. بی‌پایه و اساس بودن این نظریه هم کاملاً مشخص است. اولاً چه کسی سند دنیا را به نام راست دستان زده است؟! ثانیاً پس چرا عده‌ای با توجه به عدم رضایت مربیان و والدینشان باز هم چپ دست می‌شوند؟

۵- نظریه لجبازی: براساس این نظریه، راست دستی امری طبیعی است و چپ دستان افراد لجبازی‌اند که از عرف و عادت سرپیچی کرده‌اند و دلیلشان هم این است که در میان مجرمان و افراد ضداجتماعی چپ دستان زیادترند. این نظریه هم پایه علمی ندارد، زیرا در میان چپ دستان هم نوابغی مثل «لئوناردو داوینچی»، نقاش ایتالیایی و افراد برجسته‌ای مثل «لوئیس کارل» روان‌شناس و محقق آمریکایی وجود دارند.

۶- نظریه کارکردهای مغزی: چپ دستی و راست دستی جنبه فطری نداشته، به عملکرد نیمکره‌های مغز بستگی دارد، به طوری که در فرد چپ دست نیمکره راست مغز قوی‌تر و در فرد راست دست نیمکره چپ مغز قوی‌تر است. این نظریه جدیدترین و در عین حال عاقلاً نه‌ترین دلیل برای چپ دستی و راست دستی است.

در این که چپ دستی و راست دستی جنبه ارثی نیز دارد، شکی نیست، زیرا اگر به شجره‌نامه کودک چپ دست توجه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دست برتر می‌باشد. با این تفاسیر چون عمل حرف زدن و انتخاب دست برتر، هر دو، نتیجه عملکرد برتر یکی از نیمکره‌های مغز است و نیز رشد کلامی یعنی زبان آموزی و انتخاب دست برتر تقریباً هم‌زمان با دو سالگی صورت می‌گیرد، اگر تغییر دست برتر در این سنین انجام گیرد، احتمال ابتلای کودک به لکنت زبان را افزایش می‌دهد. (اینترنت)

برقراری تفوق دست

همان‌طور که گفته شد در طول سال اول زندگی کودک قطعاً نه چپ دست و نه راست دست است، یعنی اگر چه تمایل دارد که یکی از دست‌ها را بیش‌تر از دیگری به کار ببرد،

یکی از والدین یا مادر بزرگ و پدر بزرگ یا خاله و دایی و... چپ دست بوده است. البته چپ دستی افراد پیرخانواده را که سواد نوشتن هم ندارند، می‌توان از کارهای دیگر آن‌ها متوجه شد، مثلاً سوزن نخ کردن آنان (دستی که نخ را کنترل می‌کند، دست برتر است)، قیچی کردن، اره کردن و... در این شکی نیست که مرکز حرکت‌های ارادی دست، در قسمتی از نیمکره مقابل مغز قرار دارد، یعنی مرکز حرکت‌های ارادی دست و پای چپ در قسمتی از نیمکره راست مغز قرار گرفته است و بالعکس. بنابراین اگر آسیبی به نیمکره چپ مغز وارد شود، موجب اختلال در حرکات نیمه راست بدن می‌شود و بالعکس. هم‌چنین یکی از نیمکره‌های مغز در سخن گفتن فعال‌تر است و این نیمکره همان است که مرکز حرکت‌های

کودکی که نتوانسته است یکی از دو دست خود را بر دیگری برتری دهد یا در این راه به کندی قدم برمی‌دارد، غالباً در به کار بردن هر دو دست ضعیف است، زیرا کاملاً راست دست و چپ دست نشده و حرکاتش نسبت به کودکی که به این مرحله رسیده است، نیرو، سرعت و دقت کمتری دارد. (شعاری نژاد، ۱۳۷۲، صص ۲۴۱-۲۴۰)

راست دستی، چپ دستی

این که کودک راست دست یا چپ دست شود، از این که کودک در تغییر دست تردید داشته باشد، بهتر است. برقراری تفوق دست موجب احساس ثبات و اطمینان از یک طرف و

ولی هنوز دست اصلی و برتر خود را تغییر می‌دهد. از سه تا پنج سالگی از نظر چپ یا راست دستی سال‌های مهمی است. زیرا در این مدت کودک رفته‌رفته در ترجیح دادن یکی از دست‌ها بر دیگری مصر می‌شود. چنان‌چه کودک را به حال خود واگذاریم ممکن است خود به خود راست دست شود، ولی این امکان نیز وجود دارد که وی عادت به چپ دستی کند، به همین سبب، به عقیده بعضی از مربیان باید کودک را هدایت و تشویق کرد که عادت کند دست راست خود را پیش‌تر از دست چپ به کار برد.

در کشور ما متأسفانه حتی بین طبقات روشنفکر و تحصیل کرده هم این طور شایع است که چپ یا راست دستی منشأ

نوزاد انسان نه راست دست و نه چپ دست است، ولی در ماه‌های اول زندگی کم‌کم به یکی از دست‌ها تمایل پیش‌تری نشان می‌دهد. در شش ماهگی اکثر نوزادان یکی از دو دست را به طور مساوی به کار می‌برند. ولی به طور کلی در نخستین سال زندگی به طور قاطع نمی‌توان گفت که کودک راست دست است یا چپ دست.

کسب مهارت‌های کامل در فعالیت‌ها از طرف دیگر می‌شود. چنان‌چه کودک در انجام دادن فعالیت‌ها و مهارت‌های گوناگون که در آن‌ها به یک دست نیاز است، پیوسته دست خود را تغییر دهد، در آن فعالیت هیچ‌گاه به مرحله‌استادی نخواهد رسید. پرسش مهم این است که کدام یک از دست‌ها تفوق داشته باشد؛ دست راست یا دست چپ؟

تنها جوابی که به این سؤال در این جهان و برای افرادی که در این فرهنگ بشری زندگی می‌کنند می‌توان داد این است که فرد باید بکوشد راست دست شود، مگر این که این کار غیرممکن باشد.

دلیل روشن و قاطعی وجود ندارد که بگوییم دست راست واقعاً بر دست چپ برتری دارد یا آن که ملتی که افراد آن راست دست‌اند بر ملتی که افرادش چپ دست‌اند، شرف دارد. اما سنت بر این جاری است که دست راست را بر دست چپ ترجیح دهند و فرهنگ ما نیز براساس همین ترجیح، بنیان‌گذاری شده است. شاید برتری داشتن دست راست در آغاز تمدن اتفاقی

فطری دارد و اگر بخواهیم کودک را هدایت کنیم که پیش‌تر دست راستش را به کار ببرد، در طبیعت وی دست برده‌ایم. این فکر در بعضی از پدران و مادران کشور ما نیز اثر گذاشته و آنان را معتقد کرده است که کودک را باید مطلقاً به اختیار خود گذاشت تا طبق تمایل خویش چپ دست یا راست دست شود و از این می‌ترسند که اگر دخالتی در این مورد بشود، ممکن است منجر به اختلالات بدنی و روانی از قبیل لکنت زبان شود. ولی راست دستی و چپ دستی فطری نیست و می‌توان کودک را با تشویق، در جهت مورد نظر هدایت کرد.

به نظر بعضی از روان‌شناسان تأخیر در برقراری تفوق یکی از دست‌ها زبان‌آور است. زیرا کودک مردد و متزلزل می‌ماند، در برابر عوامل و شرایط محیط مقاومت بیجا می‌کند و عصبانی و بدبین می‌شود. چنین کودکی در انجام دادن کارهای بدنی از همسالان خود عقب می‌ماند و این وضع به لکنت زبان منجر شده، موجب پدید آمدن اشکالات فراوان در خواندن و نوشتن و حتی احساس حقارت می‌گردد.

بوده است، اما در طی قرون جای خود را باز کرده و هم چنین در مطالعه آثار بشر متمدن این مطلب ثابت شده است. راست دستی عمدتاً یک قرارداد فرهنگی و اجتماعی است و بیش تر مردم به حفظ این قرارداد متمایل اند. ماشین آلات و وسایل خانه، آلات ورزشی، روش های تدریس و تمام ادوات و وسایل جهان ماشین برای افراد راست دست تهیه شده اند. هنگامی که فرد بخواهد در جهان راست

دست ها زندگی کند، شایسته است که او نیز راست دست شود. «یکی را روان شناسان معروف آمریکایی می نویسد: «ممکن است اشکالی که کودک ناگزیر است به سبب چپ دست بودن متحمل شود، بسیار ناچیز باشد، ولی نمی توان منکر شد که چپ دستی، سرانجام اشکالاتی با خود همراه دارد.» (شعاری نژاد، ۱۳۷۲، ص ص ۲۴۳ - ۲۴۱)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



چپ دستی و پیامدهای آن

تمام تحقیقاتی که درخصوص موضوع راست دستی و چپ دستی به عمل آمده‌اند، نشان می‌دهند که کودک عمدتاً از طریق یادگیری چپ دست و راست دست می‌شود و چندان منشأ ارثی و فطری برای آن وجود ندارد. پس آشکار است از هنگامی که کودک می‌تواند کاری را با یک دست انجام دهد، باید کوشید که دست راست خود را به کار برد.

پرسش: اگر به کودک اجازه داده‌ایم که بیش‌تر دست چپ خود را به کار ببرد و او چپ دست شده است، آیا می‌توان این وضع را تغییر داد؟

این سؤال فکر گروهی از روان‌شناسان را به خود مشغول کرده است و آنان پس از مشاهدات و تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که این تغییر ممکن است، ولی هر چه دیرتر انجام شود، به همان نسبت دشوارتر است.

کودکی که نتوانسته است یکی از دو دست خود را بر دیگری برتری دهد یا در این راه به کندی قدم بر می‌دارد، غالباً در به کار بردن هر دو دست ضعیف است، زیرا کاملاً راست دست و چپ دست نشده و حرکاتش نسبت به کودکی که به این مرحله رسیده است، نیرو، سرعت و دقت کم‌تری دارد.

جایگزین کردن دست راست به جای دست چپ، احتمالاً هیجانانگیز عصبی در کودک به وجود می‌آورد و این هیجانانگیز موجب مقاومت و سرسختی کودک می‌شوند. هیجانانگیز حاصل و نگرانی کودک، هنگامی که بخواهند با زور و اجبار او را راست دست کنند، سبب می‌شود که زبان وی لکنت پیدا کند. به این ترتیب، لکنت زبان نتیجه هیجان و نگرانی است. پس از آن که تغییر حاصل شد، هیجان و نگرانی از بین می‌رود، مگر آن که دوران تغییر بیش از حد طولانی شود و لکنت زبان و سایر عوارض عصبی به صورت عادت درآیند و حتی ممکن است مقاومت کودک آن قدر شدید باشد که به‌رغم کوشش‌های فراوان انجام شده، چپ دستی باقی بماند.

کودک به علل بدنی یا به دلیل انس گرفتن شدید به چپ دستی، هنگام تغییر ممکن است سخت مقاومت و پایداری کند و اگر ما بخواهیم این مقاومت را از بین ببریم به شخصیت وی ضربه جبران ناپذیری وارد می‌کنیم و این چنین کودکی ممکن است در سراسر زندگی خود مبتلا به لکنت زبان و سایر اختلالات باشد. (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۴۲) تحقیق در مورد کودکان و نوجوانان ناسازگاری که در مراکز درمانی و تربیتی مورد معاینه قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که غالباً علت ناسازگاری، گذشته از «اختلالات تکلم و از شیر باز گرفتن»، این است که خواسته‌اند چپ دستی را به اجبار به راست دستی تبدیل کنند. (دبس، ۱۳۷۰، ترجمه‌کاردان، ص ۸۸)

یادداشت‌های شخصی خود را از راست به چپ (برعکس نوشته‌های لاتین) می‌نوشت. با این کار خواننده‌ها مجبور بودند از یک آینه برای خواندن دست خط او استفاده کنند! * ۱۳ آگوست هر سال روزی است که همه چپ‌دستان در حومه شهر دیترویت جمع می‌شوند و روز جهانی چپ‌دستان را جشن می‌گیرند!

* لغت AMBIDEXTROUS (به معنی کسی که با دو دست می‌نویسد) از ریشه لاتین DEXTER (به معنی دست راست) گرفته شده و در معنی لغوی یعنی کسی که دو دست راست دارد! * بر طبق آثار به جا مانده از دوران قدیم، انسان‌های چپ دست از ۱/۴ میلیون سال قبل وجود داشته‌اند.

* بر طبق مطالعات انجام شده روی جنین‌های مختلف، مشخص شده که ۸٪ از جنین‌ها هنگامی که در رحم هستند، انگشت شست خود را می‌مکنند. از این عده، ۹۲٪ انگشت دست راست و تنها ۸٪ انگشت چپ خود را می‌مکنند. این آمار پس از تولد به همین صورت است.

* تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی والدین هر دو راست دست باشند، امکان چپ شدن فرزند آن‌ها ۱۰٪ است. در صورتی که اگر یکی از والدین چپ دست باشد، این میزان به حدود ۴۰٪ می‌رسد. هر چند هنوز هیچ‌گونه ارتباط ژنتیکی برای چپ دستی کشف نشده است.

* در ژاپن قدیم وقتی مردی می‌فهمید که همسرش چپ دست است، می‌توانست تقاضای طلاق کند! (اینترنت)

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهند که:

* برای افراد چپ دست، جهت طبیعی، گردش برخلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت است.

* در یک نگاه کلی می‌توان گفت ۱۱٪ تا ۱۳٪ جمعیت جهان چپ دست‌اند.

* در بین سنین ۱۰ تا ۲۰ سالگی، حدود ۱۴٪ مردها و ۱۲٪ زن‌ها چپ دست‌اند. در حالی که این آمار در سنین بزرگسالی به حدود ۶٪ برای هر دو دسته می‌رسد.

* به طور متوسط عده مردان چپ دست از عده زنان چپ دست بیش‌تر است (۱۳٪ در مقابل ۱۰٪).

* در فرد چپ دست، پای مسلط (پایی که با آن به توپ ضربه می‌زند)، پای راست است. این آمار در افراد راست دست به ۹۵٪ می‌رسد.

* لئوناردو داوینچی، نقاش و مخترع چپ دست، تمام

منابع

- دکتر شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۲): روان‌شناسی رشد، چاپ نهم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- دکتر شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۹): تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، چاپ نهم، انتشارات آستان قدس رضوی.
- دبس، موریس (۱۳۷۰): مراحل تربیت، ترجمه‌علی محمد کاردان، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- WWW.NARENJ.COM

- WWW.SHARGHNEWSPAPER.COM/830409/SCIENCE.HTM.